23
05
19
۵شنبه
۰۲ خـرداد ۱۳۹۸
۱۷ رمضـان ۱۴۴۰
شـماره ۲۸۳۳

روز نوشت های شهری

مسافر سنت در هزاره سوم[۱۴]

● **شنبه**– ون دختران دانش‌آموز ابتدایی از خیابان می‌گذرد، همه با هم دست می‌زنند و می‌خوانند آقامون جنتلمنه! آیا یک نفر از مسئولانی که این روزها رگ گردنش برای ابتذال فرهنگی بیرون می‌زند پاسخ‌گو هست که در این سال‌ها با امکانات و بودجه‌هایی که در اختیار داشته چه کرده است و آیا حتی یک بار هم به تولید آن موسیقی که باید در سرویس دانش‌آموزی پخش شود فکر کرده است؟

● **یکشنبه** – توی مترو ۳ نفر خانم سوار می‌شوند، من که ایستاده‌ام از جوان‌هایی که سرشان توی گوشی موبایل است و مشغول بازی‌اند و نشسته‌اند خواهش می‌کنم که بلند شوند تا خانم‌ها بنشینند، فقط یک نفر بلند می‌شود و جایش را به یکی از خانم‌ها می‌دهد، نفر دوم با لحنی خاص می‌گوید خانم‌ها واگن دارند و دوباره مشغول بازی‌اش می‌شود، نفر سوم حتی سرش را از گوشی در نمی‌آورد.
اگر از من بپرسید می‌گویم که مسئله ما اصلا ناو هواپیمابر و صادرات نفت و هواپیمای جنگی نیست. مسئله بی‌ادبی و بی‌تعهدی و اخلاق زشت ماست. آمریکا بی‌سروصدا حمله کرده و دارد ما را به خاک و خون می‌کشد. این‌ها مجروحان حمله‌اند که در گوشه و کنار خیابان‌ها یا در واگن مترو می‌بینید.

حجت‌الاسلام محمدرضا زائری
کارشناس مسائل فرهنگی

● **دوشنبه**– دم ظهر توی خیابان دارند قیر داغ می‌کنند و بر آسفالت کف خیابان می‌ریزند، هُرم و گرما و دود حرارت از فاصله دور هم حس می‌شود. واقعا این طور می‌شود روزه گرفت؟ آیا می‌توان توقع داشت کارگری را که ساعت‌ها زیر آفتاب نگه داشته‌ایم و به کاری چنین واداشته‌ایم حرمت ماه روزه را نگه دارد؟ مسئولش هم پیمانکار است و هم مدیر شهرداری.

● **سه‌شنبه**– سر سفره افطار نشسته‌ایم که بخش آگهی‌های بازرگانی شبکه یک تبلیغی را پخش می‌کند که از آن بدمان می‌آید، کانال را عوض می‌کنم. شبکه ۲ هم آگهی‌های بازرگانی شروع می‌شود و مجددا همان تبلیغ پخش می‌شود، بازهم کانال را عوض می‌کنیم که ناگهان شبکه ۳ هم به همان تبلیغ می‌رسد. تلویزیون را خاموش می‌کنم. یکی از اعضای خانواده به پشت سرم اشاره می‌کند و می‌گوید مواظب باشید، الان از در می‌آید تو.

● **چهارشنبه**– از ایستگاه مترو که بیرون می‌آیم راننده‌ای که آشناست به تاکسی زردش اشاره می‌کند اما درست قبل از سوار شدن کسی صدایم می‌زند، راننده ماشین شاسی بلند لوکس، یکی از شاگردان من در دوران معلمی است که با محبت برای نشستن تعارف می‌کند. از یک طرف درست نمی‌دانم که جلوی بقیه مسافرها سوار ماشین او بشوم و دلم می‌خواهد برگردم و توی همان تاکسی بنشینم و از طرف دیگر راننده محبتی کرده و انتظار ندارد لطفش را رد کنم. تا وقتی برسیم با چشم و گوش پیش راننده‌ام و با دل و جان پیش مسافران تاکسی.

● **پنجشنبه**– منبر که تمام می‌شود با عجله ماشین را روشن می‌کنم و راه می‌افتم اما وسط ترافیک شدیدی گرفتار می‌شوم. انتظار نداشتم در ساعت‌های پایانی شب چنین جمعیتی توی خیابان باشند. یا پرچم‌های قرمز در دست دارند یا دارند از داخل ماشین‌ها بوق می‌زنند. خیلی افراد هم کنار خیابان دارند با موبایل فیلم‌برداری می‌کنند. از داخل ماشین‌ها صدای موسیقی می‌آید و جمعیت توی خیابان هم غالبا پیچ و مهره‌هایشان شل شده است.

از بمب غافل نشوید

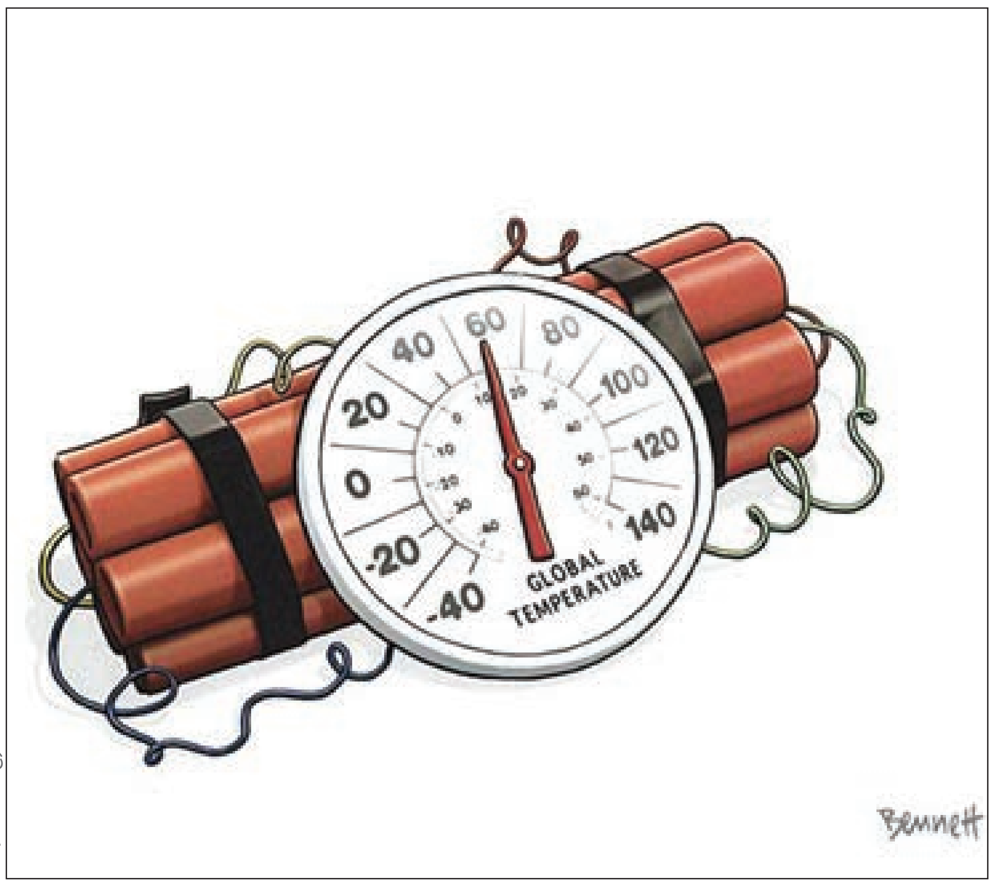

طرح: clay bennett

احتمالا به‌خوبی از مشکلاتی که بارندگی و سیلاب‌های اخیر برای مردم کشورمان ایجاد کرده است آگاه هستید، چند ده سانت بالا آمدن آب یک رودخانه، چندین روستا و صدها خانه را به زیر آب برده است. حالا تصور کنید که آب دریاهای دنیا چند متر بالا بیاید، چه فاجعه‌ای رقم خواهد خورد؟ چند وقت قبل مقاله‌ای منتشر شد که در آن نوشته بود سرعت ذوب شدن یخ‌های قطب شمال و جنوب سرعت گرفته است. «کلی بنت» به عنوان یک کارتونیست که دغدغه‌های محیط زیستی دارد، سعی کرده است با این طرح درباره تهدید گرم شدن زمین به ما هشدار بدهد.

به وقت گشت و گذار

«به دنیا آمدن» در سینما

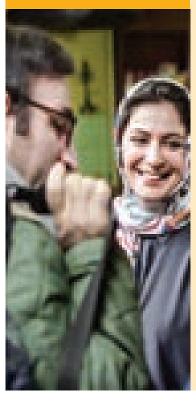

اگر فیلم‌هایی را که قبلا در این ستون معرفی کرده‌ایم تماشا کرده‌اید، این آخر هفته برای شما پیشنهاد یک درام اجتماعی داریم. «به دنیا آمدن» فیلمی سینمایی به کارگردانی محسن عبدالوهاب و تهیه‌کنندگی محمد احمدی است. این زوج قبلا در کارنامه همکاری‌شان فیلم «لطفا مزاحم نشوید» را داشته‌اند که فیلم خوش‌ساخت و خوبی است. به دنیا آمدن در سه بخش بهترین بازیگر نقش اول زن، بهترین موسیقی متن و بهترین تدوین، نامزد دریافت سیمرغ شده است. داستان فیلم حول محور زن و شوهری می‌چرخد که در آستانه میانسالی برای ادامه مسیر زندگی با یکدیگر دچار مشکل شده‌اند. این فیلم در ۴ پردیس سینمایی هویزه، گلشن، ویلاژتوریست و اطلس به نمایش درآمده است.

یک افسانه کمدی موزیکال

تئاتر رفتن در شب‌های ماه رمضان که شهر زنده‌تر از هر وقت دیگری است، شور و حال بیشتری به آدم می‌دهد. این وسط فقط می‌ماند پیدا کردن یک تئاتر خوب و مفرح. این شب‌ها در سالن آمفی تئاتر هلال احمر (واقع در میدان ده دی) نمایش کمدی موزیکال «افسانه وبای» روی صحنه می‌رود. این نمایش هشتاد دقیقه‌ای به کارگردانی محمد علی صباغی یک کمدی اجتماعی است که به بیان معضلات فضای مجازی، خرافات و اعتیاد می‌پردازد. شما می‌توانید برای خرید بلیت این نمایش که هر شب ساعت ۲۱:۳۰ روی سن به اجرا در می‌آید به سایت مشهد گیشه بروید و از تخفیف ویژه اکران این نمایش هم بهره‌مند شوید.

خط خوش در نگارخانه شهر

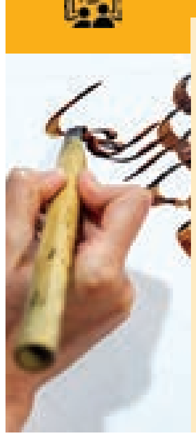

اگر اهل نگارخانه رفتن هستید و مدت‌هاست به یک نگارخانه خوب نرفته‌اید و فاز هنری نگرفته‌اید، این مطلب را دقیق بخوانید. نگارخانه شهر این روزها میزبان آثار ۲۴ هنرمند خوش‌نویس مثل مریم اماموردی، محسن عبادی، علی احسان‌پور، فرهاد شیرخانی، محمد فراستی و... است. در نمایشگاه «برآستان جانان» ۷۴ اثر در سبک‌های مختلف خوش‌نویسی از نستعلیق، شکسته نستعلیق تا نسخ و ثلث به نمایش گذاشته شده است. این نمایشگاه تا ۹ خرداد صبح‌ها از ساعت ۹ تا ۱۳ و عصرها از ساعت ۱۶ تا ۱۸ در نگارخانه شهر واقع در میدان شهدا به نمایش گذاشته شده است.

به صرف عطر گل

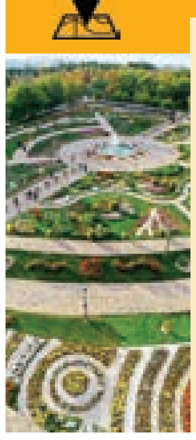

اگر بهار بیاید و برود و شما به عنوان یک مشهدی از باغ‌های گل شهرتان دیدن نکنید واقعا نصف عمرتان برفناست. این روزها هوای باغ‌های گل آن‌قدر معطر و لطیف است که به قول قدیمی‌ها بودن و نفس کشیدن در آن از عمر آدم حساب نمی‌شود. در مشهد ۲ باغ گل و گیاه داریم که در آن انواع مختلف گل‌های معطر کاشته و نگهداری می‌شود. یکی «باغ گل‌ها» است که در خیابان معلم بعد از تقاطع ستاری قرار دارد و دیگری «باغ گیاه‌شناسی» است که در بولوار جمهوری، حد فاصل چهارراه مقدم و پل غدیر واقع شده است و می‌توانید با توجه به موقعیت مکانی‌تان نزدیک‌ترین آن‌ها را انتخاب کنید و به آنجا بروید.

گزارش داغ

در روزهایی که بحث از جنگ اقتصادی و چاره‌اندیشی برای آن، همه جا مطرح است، خیلی‌ها بازگشت کوپن را راهکار مناسب در برابر فشارهای اقتصادی می‌دانند. در همین باره دیروز روزنامه دنیای اقتصاد در گزارشی مفصل با تیتر «فرجام کوپن در انگلیس» به بررسی یک تجربه جهانی در استفاده از کوپن پرداخته است. انگلستان در زمان جنگ‌های جهانی اول و دوم و حتی تا ۱۰ سال بعد از آن از کوپن برای رفع نیازهای مردم استفاده می‌کرده است و به عنوان یک الگو موفق در این باره شناخته می‌شود. با خواندن این گزارش اطلاعات و تحلیل‌هایی به دست می‌آورید که نشان می‌دهد بر خلاف تصور خیلی‌ها، کوپن نه تنها باعث نجات اقتصاد انگلستان نشده بلکه رشد اقتصادی این کشور را کند هم کرده است.

جدول ۲۶۸۱

shahr.puzzle@shahrara.com

حاضر در بازی نهایی / جراحت		بازیکن تازه بازنشسته استقلال / چهره			خانه / مغزسر / خوردن			فلز سرچشمه / کارگردان برادرجان
				تخت پادشاهی / مهم‌تر				
								بیابان / خوراک رشته‌ای / پدربزرگ
		مایع دباغی / دربست				بازی کردن / ارسال		
نابودی					ناشدنی / عید ویتنامی			طاقچه بالا / کلمه تعظیم قبل از اسم
				لباس نازک / مشهور				
		عدد عمر / اسم دخترانه ایرانی						ماهر / برنج شوشتری
					خمیر شده / حیا			
	نپذیرفتن							بولواری بین وکیل‌آباد و نماز
			چروک / پیشانی					
				غله / استراتژیک				خوراکی از سوسیس / سرشت

طراح: محمدرضا علیزاده

پاسخ جدول ۲۶۸۰

صنم / پدمرده	ن	مروارید / مخفی	د	ک	عدد رمز / بستنی چوبی / باوقار / درخت سدر	ک	ف	آرواره / خوراکی خنک شیرازی
ی	گ	ن	ر	ی	و	ن	ا	ب
ت	ا	ه	داغ انگلیسی / جرم متحرک آسمانی	م	ز	ا	ل	پروانه مهمان / مشهد / ضروری / لحظه / فراق
ی	ر	ا	س	روان / سوغاتی نطنز	ی	ر	و	د
م	زیره سبز	ن	ی	گ	ن	سنگ انگشتری / حرص	د	م
فقر	ک	ی	ا	ل	نشان تایید شبکه اجتماعی / زاری کردن	ا	ه	الگوی روز / نشان جمع / بخیل
ن	ر	رود اروپایی / مزرعه آخرت	ر	ا	ن	ز	کمربند ترسایان / مهلت‌ها	ش
د	ا	د	ه	ب	د	م	ا	ح
ا	و	ن	صدا / قله مرتفع آب و برق	ی	ب	ن	ج	بازیگر مشهدی مارموز / حاشیه‌ای
ر	ی	ی	ز	نام قدیم کشور کنگو	ه	د	ا	ج
ی	ه	ا	و	گ	شهادت دادن	ی	ل	راه برون‌شهری / قدم یکپا

جا کتابی

شاگردی در محضر پیش‌کسوت‌های داستان کوتاه

الهام یوسفی | داستان خواندن، جهان منحصر به فرد خودش را دارد. گاهی ما در طول زمان و با خواندن و مزمزه کردن انواع داستان که دستپخت نویسنده‌های مختلف با افکار مختلف است، بالاخره ذائقه خودمان را کشف می‌کنیم و برای پیدا کردن داستان‌های مطبوعمان استاد می‌شویم. اما برای آن‌هایی که هنوز در ابتدای راه داستان‌خوانی هستند و یادوست دارند چندین دستپخت را با هم امتحان کنند، امروز پیشنهاد خوبی داریم.
کتاب «پیش‌کسوت‌های داستان کوتاه جهان» به خواننده این امکان را می‌دهد تا هم با مختصری از داستان زندگی بزرگ‌ترین نویسندگان داستان کوتاه جهان آشنا شود و هم بهترین داستان‌های آن‌ها را بخواند. نویسندگانی روسی چون: «نیکلای گوگول» و «آنتوان چخوف» نویسندگان آمریکایی مثل «ارنست همینگوی» و «ادگار آلن پو» و از میان نویسندگان فرانسوی یکی از خبرگان داستان کوتاه به نام «گی دوموپاسان» و یک نویسنده قهار اهل آرژانتین که داستان‌های کوتاهش شهره عام و خاص است به نام «خورخه لوئیس بورخس»! در کنار خواندن بهترین داستان‌هایی که در این کتاب از این نویسندگان وجود دارد این امکان را هم دارید تا تفسیر این داستان‌ها را به قلم «جمال میرصادقی» که خودش آن‌ها را انتخاب کرده و کنار هم قرار داده است را بخوانید و با فضای درونی‌تر داستان بیشتر آشنا شوید.
در حقیقت این کتاب فقط به درد کسانی که مایلند داستان خوب و درست و حسابی بخوانند نمی‌خورد، بلکه برای کسانی که داستان کوتاه‌نویسی را دوست دارند و می‌خواهند بهترین‌ها را بشناسند و از آن‌ها بیاموزند هم بسیار پرفایده است. راستش شبیه کلاس درسی است که بهترین اساتید داستان کوتاه‌نویسی جهان در آن به تو آموزش می‌دهند. در واقع جمال میرصادقی در این کتاب با محوریت قرار دادن یک داستان، سعی کرده است شیوه‌های داستان‌نویسی را به صورت عینی به مخاطب آموزش دهد. در داستان «شنل» نیکلای گوگول و «نقاب مرگ سرخ» ادگار آلن پو، ساختار عناصر پیرنگ را بررسی کرده و با تفسیر سایر داستان‌ها نکات مهم دیگری بیان کرده است. این کتاب در حقیقت یک راهنمای سودمند و مناسب است که هم لذت داستان‌خوانی را عمیق می‌کند و هم الگوهای مناسبی را به علاقه‌مندان داستان‌نویسی معرفی می‌کند. نشر نیلوفر این کتاب را در ۲۸۰ صفحه و به قیمت ۱۷ هزار تومان منتشر کرده است و البته امکان خرید نسخه الکترونیک آن به قیمت ۱۰ هزار تومان از فیدیبو نیز فراهم است.

نسخه الکترونیک از فیدیبو

فیلم بین

روایتی از یک مشت واقعیتِ کوفتی

محمدعلی محمدپورا دوران ریاست جمهوری ترامپ از آن دوران‌هایی است که جنجال‌ها و بحث‌های تبعیض نژادی در آن بسیار پررنگ بوده‌اند. در همین زمان «اسپایک لی» دست به ساخت فیلمی زده است تا یک بار دیگر اعتراضات خودش را به رفتارها و اظهارات نژادپرستانه در آمریکای قرن بیست و یکم نشان بدهد. هر چند داستان «بلک کلنزمن» (BlacKkKlansman) جدیدترین فیلم اسپایک لی در دهه ۷۰ میلادی می‌گذرد اما وقتی در پایان فیلم تصاویری از راهپیمایی‌های نژادپرستان در سال ۲۰۱۷ و سخنرانی ترامپ نشان داده می‌شود مشخص است که فیلم‌ساز می‌خواهد قضیه تبعیض نژادی را به مسئله روز پیوند بزند و اعتراضش به وضع حاضر را اعلام کند. فیلم با جمله «این فیلم بر اساس یک مشت واقعیت کوفتی و درست حسابی ساخته شده» شروع می‌شود تا از روایت گزنده و بی‌پروایی که می‌خواهد ارائه دهد پرده بردارد. البته فیلم‌ساز در مواردی با وارد کردن لحن کمدی و ایجاد موقعیت‌های بامزه سعی می‌کند داستانش را کمی متفاوت‌تر به تصویر بکشد. داستان از جایی شروع می‌شود که ران استالورث با بازی «دیوید واشنگتن» به عنوان یک سیاه‌پوست تصمیم می‌گیرد به نیروی پلیس بپیوندد. چیزی که در آن دوران در شهر کلرادو اسپرینگز یک اتفاق متداول به حساب نمی‌آید. ران در بخش بایگانی اداره پلیس به کار گرفته می‌شود اما او دوست دارد در جای هیجان‌انگیزتری کار کند. بنابراین در ادامه پلیس مخفی می‌شود و قرار است با نفوذ به گروه «کو کلاس کلان» (که یک گروه افراطی نژادپرست است) از برنامه‌های آن‌ها سر در بیاورد. به علاوه اینکه ران در این مسیر با «پاتریس» که دختری فعال علیه تبعیض نژادی است هم می‌شود و انگیزه مضاعفی پیدا می‌کند. «BlacKkKlansman» در اسکار نود و یکم موفق شد جایزه بهترین فیلم‌نامه اقتباسی را از آن خود کند و نمره ۷/۵ سایت IMDB را بگیرد. این فیلم می‌تواند انتخاب خوبی برای شما باشد تا ضمن آشنایی با اوضاع تبعیض نژادی در دهه ۷۰ از یک فیلم سرگرم کننده لذت ببرید.

تماشای فیلم از فیلیمو